

نیم نگاهی به عبادت گاه شهروندان هندوی ما در
باغبانکوچه ای شهر کابل
قسمت دوم



پیرترین درخت توت در مسجد جامع باغبانکوچه.

مسجد باغبانکوچه هم عمر خود باغبانکوچه را دارد و خوشبختانه از گزند جنگهای تنظیمها در کابل در امان مانده است. پنج وقت نماز در مسجد همیشه خوانده میشود اما بخاطر نزدیکی مسجد شاه دو شمشیره مردم گذر نماز های جمعه و عید را در مسجد شاه دو شمشیره ادا مینمایند.



دروازه مسجد جامع باغبانکوچه



فاصله میان مسجد جامع باغبانکوچه و عبادت گاه شهر وندان هندوی ما دو متر است.

در یک طرف کوچه مسجد واقع شده است و در مقابل اش عبادت گاه از بیشتر از هشتصد سال به این سون قرار دارد.

در صد ها سال گذشته مسلمانها در مسجد و عبادت گاه خود نماز خوانده و تمام مراسم مذهبی خود را ادا نموده اند.

به همین ترتیب هموطنان هندوی ما در اواخر در همین باغبانکوچه بود وباش نداشتند اما در عبادت گاه خود از همین راه سمت شاه دو شمشیره میرفتند و از مسجد جامع باغبانکوچه می گذشتند و اکثرن از

راه سه دکان چند اول به معبد خود میرفتند ، زیرا به شور بازار و هندو گذر و بالا حصار نزدیک تر بود.











آینده این کودک چه خواهد گردید ؟

در کنار دست راستش مخرچ کنار آب و نل بدرفت و در دوطرف کنار آب دو دکان مواد غذایی قرار دارد.. به این میگویند شهرداری وزارت صحیحیه و بهداشت سالم و شهروندان نمونه !

عده ای بمن فحش و دشنام می دهند و اتهام می بندند که چرا در اروپا و یا کانادا و امریکا خود را مشغول خوردن نان سوسیال امت یا ولفایر یا تقاعدی نمی نمایم و یا چرا به نفع آی اس آی و یا القاعده و طالبان نمی نویسم و در کابل زندگی نمودن را نسبت به اروپا ترجیح داده ام.

خواننده گرامی تو خود بحال مردم ما باز هم بیاندیش و اگر من راه ناصواب را
طی مینمایم، با نامه های اعتراضی ات رهنمایم گردد!





مواد مصرفی درجه اول کودکان نه تنها در باغبانکوچه بلکه در تمام شهر کابل.





آفتابه پلاستیکی جای آفتابه های گلی و مسی و برنجی را گرفته و کلال و مسگر و حلبی سازان این ناحیه ضربه خورده و محیط زیست بیشتر از پیشتر آسیب دیده و می بیند. شهروندان ما! در مورد نقش پلاستیک در محیط زندگی شان نمیدانند و شهزاده محمد مصطفی ظاهر هم در سازمان دفاع از محیط زیست با آفتابه و لگن سر و کار ندارد تا از مضار آن چیزی بداند. همانطوریکه پدرش در باغ وحش ای کابل ریاست داشت و کاکایش در سره میاشت و هر دو از حال مردم بیخبر بودند. اکنون نواسه محمد ظاهر پادشاه سابق افغانستانی و بابای یک عده ای معین مسوول محیط زیست افغانستان است.!





اگر نشانی دقیق بالا را کار داشته باشید ، دفتر تعویذ برای عشق و محبت و کاریابی و حتی ضد جن زدگی در وسط یا میان باغبانکوچه کابل قرار دارد.
در عکس پایان توجه نمایید.



باغبانکوچه- مسجد شاه دوشمشیره در دورنما وجوی شیر و در فراز آن کوه آسه
ما یی دیده میشود. دفتر تعویذ نویسی بر ضد بندش جسمانی در همین جاده است.
رقیب درجه یک شرکت ویاگرا! بندش جسمانی همان شعار پاکستانی است که در
جاده های کابلی بازار در پشاور مینویسند :

کم زوری کا علاج !

تو خود حدیث مفصل از حال واحوال مردمی را بخوان که به چند نوع مریضی
دچار اند . دفترهای مبارزه برضد آفات و بلایای وامراض هم در همین
باغبانکوچه کم نیستند. وزارت صحت عامه شعبات خاص خود را در همه جا
گسترده است و با همیاری شهرداری کابل در خدمت خلق قرار دارند !



اگر با تعویض نشد ، دواخانه پول های شمارا میگیرد و دواى بی تاثیر پاکستانى رابرای مریضان در خریطه ها میدهد. هیچ فردى یارای تفتیش دواهای تاریخ تیر شده و بی تاثیر را ندارد.











کودک دکاندار

دکانداری که در پشت دیوار شفاخانه مستورات سابقه که یک دروازه اش در سرک جاده میوند و یکی هم در باغبانکوچه قرار دارد مواد خوراکی را در کراچی ایکه روی جوی بد رفت ها و لجن قرار داردو پر از مگس وحشرات است ، بفروش میرسیاند تا لقمه نانی برای خود و خانواده اش بدست بیاوردو اینکه صحت خودش و شهروندان ! در کنار شفاخانه چه خواهد گردید ومیگردد ، مورد علاقه هیچ فردی نیست !





دروازه خانه مردم زیر گل های فرو افتاده بامها شده است.
این همان نموه هایی است که کاکا رنگریز در سخم خود یا آور گردیده بود.
در گذشته این دروازه ها راه رفت و آمد مردم بود اما در جنگ ها مردم خانه
خراب شدند و دروازه های بسیاری برای همیشه بسته ماند و گل دیوارهای بامهای
غلتیده دم دروازه ها تا امروز شاهد جنگ های تنظیم ها در کابل است.
در زمان بازسازی ! این مردم قدرت پس کردن گل از دم دروازه خود را ندارند ،
چون تا هنوز خانه شان گورسیتان شان است و هیچ فردی مسول پیدا نشده تا
اجساد شهدا را از زیر گل و خاک بعد از بیست سال بیرون بکشد.
به این چه نام می گذارید.

قوماندانها از ترس در این باغبان کوچه آمده نمی توانند. وزرا و روسا اصلن نمیدانند که همچو جاهایی هم در مرکز کابل وجود دارد و هیچگاه از این راه تیر شده نمیتوانند چون از سایه خود میترسند و در خانه های فرعون آباد امروزی یا شیر پور سابقه و عشرت سرا های خود در ناز و نعمت بسر میبرند.













